



گفت‌وگو باحجت‌الاسلام والمسلمین عبدالعسین خسروپناه

امام امت، ارزشن‌های انسانی و قرآنی بر زمین مانده با شاخصه و مؤلفه‌هایی همچون عدالت‌خواهی، فسادستیزی، ساده‌زیستی، دوری از کاخ‌نشینی و تجمل‌گرایی، همدردی با اقشار کم‌درآمد، عدم سازش با طواغیت و مدیریت جهادی در راستای رضایت الهی را به‌عنوان یک مکتب و منظومه فکری جامع مطرح و آن را به مطالبه عمومی مردم ایران تبدیل کرد. به گزارش اداره روابط عمومی و اطلاع‌رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، **حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالعسین خسروپناه** استاد فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرگزاری رسا به تبیین منظومه فکری امام خمینی رحمه الله پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

■ با توجه به شاخصه‌های اصلی مکتب و اندیشه امام خمینی رحمه الله چرا نگاه‌های فردی، پازلی و گزینشی به اندیشه و عملکرد ایشان، نمی‌تواند بیانگر مکتب جامع و منظومه‌ای ایشان باشد؟

● اولین نکته‌ای که به نظر در معرفی اندیشه‌های حضرت امام باید به آن توجه کرد، اینکه امام از یک منظومه فکری و از یک مکتبی برخوردار است؛ کما اینکه در سخنرانی سال ۱۳۹۵ بحث اصلی حضرت آقا در مورد منظومه فکری حضرت امام رحمه الله بود.

کتاب بنده نیز با موضوع منظومه امام و رهبری، سال ۱۳۹۰ به اتمام رسید؛ اما چاپ آن کمی طول کشید؛ در مکتب حضرت امام، گوهری به نام توحید وجود دارد؛ در واقع ایشان مرکز و خورشید این منظومه است و توحید امام، توحید عرفانی است؛ اما نباید توحید عرفانی را فردی و معنوی معنا کنیم که گویا به دنیا و مسائل اجتماعی و مسائل مادی توجه ندارد؛ بلکه آن عرفانی که اسفار چهارگانه را دارد، سیر من الخلق الی الحق، سیر من الحق الی الحق (که سیر در صفات الهی است)، سیر من الحق الی الخلق من الحق و سیر من الخلق الی الخلق بالحق؛ یعنی هم دنیوی، اخروی، مادی، الهی و... دارد.

بر اساس این اصل توحید، اصل دیگری در نظام فکری امام مطرح می‌شود، با نام اصل ولایت که انشعابی از توحید است و بعد نوبت به اصل عبودیت و بندگی می‌رسد که انسان در هر عرصه‌ای که می‌خواهد فعالیت کند، باید خدا را بندگی کند؛ بعد از اصل بندگی، نظامات اجتماعی امام مطرح می‌شود نظام سیاسی، نظام اقتصادی، فرهنگی، علمی، امنیتی و دفاعی که همگی انشعاب یافته پارادایمی هستند که از توحید شروع شد و به عبادت انجامید. این نظامات اجتماعی که مبتنی بر توحید ولایت و عبادت است، چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ اهدافی که در مکتب فکری امام رحمه الله است، استقلال، آزادی، عدالت، پیشرفت و تمدن است که شاخص‌های اصلی اهداف هستند که البته اگر همه با هم جمع شوند، حیات طیبه می‌شوند؛ همان‌گونه که امام می‌فرمودند: تمام فقه جواهری فقه‌الحکومه است... فقه تدبیر شئون زندگی، از گهواره تا گور است؛ اما این فقه سنتی جواهری، باید مسئله‌های امروز را پاسخ دهد.

■ همان بحث امتداد اجتماعی که حضرت آقا تأکید فرمودند؟

● بله، همین مسئله را حضرت امام نیز دارند؛ اگر کسی خواست، از امام سخن بگوید، باید از مکتب امام و منظومه فکری امام بگوید؛ لذا اینهایی که مثلاً در نظام سیاسی امام بحث ولایت فقیه را نمی‌بینند و بحث مردم‌سالاری را می‌بینند، این نگاه، نگاه گزینشی است؛ یا برعکس عده‌ای فقط بعد ولایت فقیه امام را می‌بینند. اما بعد مردم‌سالاری را نمی‌بینند.

امام فرمودند: جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد؛ به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب این دو ساحت، یک حقیقت هستند دو چیز جدای کنار هم نیستند؛ جمهوریت در دل اسلاهِیت و اسلاهِیت در دل جمهوریت یک

<div><div>www. ofoghhawzah .com</div></div>	<div><div></div></div>
--	------------------------

و آسیب‌ها و آفت‌های غرب مدرن را قبول داشت.

بنابراین امام را نباید پست مدرن معرفی کرد؛ همان‌طور که امام را نباید طرفدار فقه پوپای نافه سنتی دانست، همان‌طور که امام را نباید طرفدار مردم‌سالاری دانست که از ولایت‌مداری خارج شده است. مردم‌سالاری و ولایت‌مداری در هم تنیده هستند؛ جمهوریت و اسلامیت در هم تنیده هستند؛ بله، قطعاً مردم در نظام فکری و منظومه فکری امام جایگاه ویژه‌ای دارند. در مکتب حضرت آقا نیز همین‌گونه است؛ زیرا ادامه مکتب امام رحمه الله است.

حضرت آقا مردم‌سالاری دینی را در عرصه سیاست قبول دارند، در عرصه اقتصاد هم قبول دارند و در اقتصاد مقاومتی می‌گویند؛ اقتصاد را در دست توده مردم دهید؛ نه مافیاً و رانت‌خواران و مفسدین اقتصادی؛ امام نیز همین افکار را دارد و در کتاب منظومه فکری امام و رهبری به تمامی این نکات اشاره شده است.

در زمینه کشاورزی تأکید امام به خودکفایی است و می‌فرمود: کشاورزی را به مردم بسپارید و شما مدیریت کنید که از زمین‌ها درست استفاده و پذر و کود در داخل کشور تولید شود؛ ولی یک عده مافیایی اقتصادی نمی‌گذارند؛ اکنون ما در مورد کود صد در صد وابسته‌ایم. در بذر دانش‌پنیان‌ها توانستند، مقداری از این وابستگی را کمتر کنند که تمام اینها را در منظومه فکری امام مشاهده می‌کنیم. امام معتقد است که تمام اینها را مردم باید انجام دهند. جایگاه مردم در منظومه فکری امام جایگاه مهمی است؛ قطعاً امام جنبش‌های مردمی را می‌پذیرد و جنبش‌های مردمی باید نقد عملکردهای غلط را انجام دهد.

شما بارها دیده‌اید که امام در نقد دولت‌مردانی که در فساد و انحراف هستند، طوری حرف می‌زند که ممکن است، گفته شود که حرف‌های رسانه‌های معاند است؛ اما امام وقتی از کارگزاران سالم سخن می‌گوید، برای این است که اگر نظام گرفتار کارگزار ناسالم شد، مردم را حذف می‌نمایند و قدرت در دست چند درصد انسان‌های فاسد می‌افتد.

فیلم خروج را زمانی که دیدم، برخی می‌گفتند: این فیلم نظام را زیر سؤال می‌برد؛ اما واقعاً لذت بردم؛ زیرا این فیلم نشان می‌دهد که می‌توان علیه مدیران نالایق خروج کرد و در عین حال، حامی نظام بود و برای دفاع از نظام باید علیه مدیران فاسد خروج کرد.

فیلم خروج، پیامدهای زیادی داشت تا چه زمانی می‌خواهیم، از عملکرد ناصواب مدیران سکوت کنیم؛ وقتی مدیران سایپا در جایی فساد مرتکب می‌شوند و باعث ایجاد ناامنی در کشور می‌شوند، نباید سکوت کرد. پیامی در این خصوص نوشتم که در فضای مجازی هم منتشر شد، تأکید داشتم که شما، باید عاملان و سلاطین مافیای اقتصادی را دستگیر و اعدام نمایید. چرا باید ساختار خودرو فسادساز باشد؟ بالاخره برخی می‌گویند حضرت آقا فرمود که فساد سیستمی نداریم!

آقا فرمودند که نظام به ما هو نظام فاسد نیست؛ اما نفروموند؛ ساختار سیستمی فاسد و انسان‌های فاسد در ساختارها نداریم؛ در پیامی که به مجلس دادند، فرمودند که نمایندگان عدالت را تحقق بخشند و حتی اگر امام اکنون زنده بودند، مهم‌ترین دغدغه ایشان عدالت بود؛ الان در حوزه آموزش و پرورش بی‌عدالتی حاکم است و بخشی از این بی‌عدالتی‌ها در دست مافیای آموزش و پرورش است که حتی بخشی از آنها، خود را رهبران اصول‌گرایی می‌دانند هم در رهبران اصول‌گرایی و هم در رهبران اصلاح‌طلب، بی‌عدالتی آموزشی در کشور در حال شکل‌گیری است و مرتب به سمت آموزشکده‌های خصوصی می‌روند و مدارس دولتی روز به روز ضعیف‌تر و نحیف‌تر می‌شود تا دانش‌آموزان بی‌سواد تربیت کنند که این بی‌عدالتی است.

آقای حداد عادل در زمانی که ریاست مجلس را برعهده داشتند، در آخرین مصوبه خواست که از اینها مالیات هم نگیرند؛ یعنی از مافیای آموزشی مالیات نگیرند. اینها همگی بی‌عدالتی است؛ علت این همه کثرت بانک‌ها برای چیست؟ هر چه شعب بانک‌ها بیشتر شود، آمار فساد بالاتر می‌رود و کنترل ناپذیر است.

امروز مهم‌ترین دغدغه بحث عدالت است و این عدالت باید مطالبه عمومی مردم باشد؛ تا کی برخی از روحانیت ما باید اهل محافظه‌کاری باشند. من نمی‌خواهم خدمات مسئولان خادم را نادیده بگیرم؛ اما در کنار تشکر نقد و بیان اشکالات و رفع آن، «النجیحه لائمة المسلمین» کار علما و بزرگان حوزه است؛ البته بزرگان و علمای حوزه و مراجع تقلید، کارهای بزرگی انجام داده‌اند؛ خیلی از این بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها با رهبری مراجع و علما برای خدمت به محرومیت ساخته شده؛ اما ساختارهایی که فسادساز است نیز، باید گفته شود. حضرت آقا در بیانیه گام دوم فرمودند: بحث عدالت و مبارزه با فساد در واقع لازم و ملزوم هم هستند و بسیاری از این فسادها در برخی ساختارها آمده است؛ در ساختار دارو، سلامت و ...باید بررسی شود، چرا یک عده باید مافیای دارو باشند و بیش از همه، خود پزشکان باید آسیب ببینند. قشر پزشکان خدوم زجر بکشند از اینکه داروی بیماران در اختیار مافیای داروست.

به نظر ام اگر امام زنده بودند، مهم‌ترین نکته‌ای که تأکید می‌کردند، عدالت بود؛ آن هم عدالت ساختاری؛ اگر می‌خواهیم در مورد امام سخن بگوییم، باید مراقب باشیم و مکتب امام رحمه الله را به‌خوبی بشناسیم. نمی‌شود از امام دم زد؛ ولی استکبارستیز نبود؛ ولو یک نسبت سببی و نسبی با امام هم داشته باشیم؛ هرکسی که در مکتب امام تنفس می‌کند و خود را در مکتب امام می‌داند، باید استکبارستیز باشد و عقلاَیت اسلامی را بپذیرد.

امام می‌فرمودند: من با سینما مخالف نیستم؛ بلکه با فحشا مخالفم؛ سینما را باید اسلاهی کرد، صدا و سیما را باید اسلاهی کرد تا انسان‌ساز باشد؛ پس امام را باید در مکتب امام شناخت و اولویت تفکر امام هم، بر اساس نظام فکری امام تشخیص داد؛ لذا اینهایی که بخشی از کلام امام را می‌گیرند و بخشی را رها می‌کنند، گرفتار تحریف هستند

■ در بحث عقلانیت که اشاره داشتید، تفاوت عقلانیت امام و انقلابی با عقلانیت سکولار و لیبرالی را تبیین کنید؛ چگونه معیار سود و زیان در این دو متفاوت است؟

● اولین بحث این است که ما تفکر امام را که مبتنی بر توحید و عقلانیت اسلاهی است، متوجه شویم و بعد هم ببینیم، جریان انقلابی امام کارکرد داشته یا خیر؟

تفکر امام مدیریت جهادی بود. پس از گذشت چهار دهه ببینیم، مدیریت جهادی در جهادسازندگی جواب داد یا در وزارت جهادکشاورزی که ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین وزارتخانه در کشور است؛ نتیجه راه‌اندازی سیاه و نهضت سوادآموزی را دیدیم، توجه به محرومیت را دیدیم، تقسیم امکانات کشور نسبتاً عادلانه تقسیم شد که در بیانیه گام دوم هم دیدیم؛ اما از یک زمانی متوقف شد. چرا برخی از مناطق خوزستان یا سیستان و بلوچستان، در اوج فقر و فلاکت به سر می‌برند؟ چون جریان انقلابی و مدیریت جهادی کنار رفت. استانداری که سال‌ها در استان مدیریت می‌کند، بعد از این همه سر و صداها، مدیران خود را جمع می‌کند و جلسه می‌گذارد که چه کار کند. در کنار همین منطقه محروم، جاه‌های نفت وجود دارد که حتی یک نگاهبان هم وجود ندارد؛ چون امنیت دارد و امنیت چاه نفت را همین مردم روستا حفظ کرده‌اند. آن وقت آب شیرین را برای پالایشگاه کشیده‌اند؛ اما برای این روستا آب شیرین را نکشیده‌اند؛ به‌خدا قسم! باید با این تساهل مدیریت مدیران برخورد شود.

تمامی این افراد از نظر حقوقی مجرم هستند و بارها و بارها از صندوق توسعه

کشور برای این کارها پول در نظر گرفته شده؛ اما مشخص نیست در چه جایی خرج شده است، جریان انقلابی امام، مدیریت جهادی بود و به‌خوبی هم جواب داد و در ساخت موشک و بحث هسته‌ای جواب داد؛ حتی در قصه کرونا هم جواب داد.

تمامی پزشکان و پرستاران و شخص وزیر، مدیریت جهادی کردند؛ چون بسیار کار کردند. ما در این بیماری رتبه دوم را داشتیم و کلی کار صورت گرفت و خود وزیر به‌صراحت اذعان داشت که تنها کسی که در بحث کرونا مدافع و پشتیبان ما بود، شخص حضرت آقا بود.

لذا هر جا مدیریت جهادی داشتیم، جواب گرفتیم. اینها همگی دستاورد انقلاب است و باید مراقب باشیم، زمانی که می‌گوییم: انقلابی یعنی عقلانیت، کارشناسی و علمی، برخی می‌گویند: حوزه یا انقلابی است یا علمی است.

حوزه علمیه انقلابی است. آنهایی که دم از حوزه انقلابی می‌زنند و به دماء ثلاثه می‌پردازند، انقلابی نیستند؛ آنهایی که حوزه انقلابی می‌گویند و علمی نمی‌گویند، فقط به دنبال شعار هستند؛ شعاری که عقبه آن، عقلانیت و فقه نظام‌ساز نیست. هر دو غلط است؛ امام به دنبال حوزه علمیه انقلابی بود و این را کاملاً می‌توان از مکتب حضرت امام استفاده کرد.

■ با توجه به اینکه برخی در دانشگاه تلاش می‌کنند، ولایت فقیه و مکتب جامع امام راحل را غیرعلمی و خارج از فلسفه قلمداد کنند و ناکارآمدی مدیران غرب‌زده را به مکتب امام نسبت دهند، برای انتقال صحیح و جامع چارچوب‌های فکری انقلاب و امام خمینی رحمه الله به نسل‌های بعد چه راهکاری دارید؟

● یکی از راهکارهای آن، توجه به بسیج اساتید است؛ چراکه در شأن بسیج اساتید نیست که لباس نظامی بر تن کند و اسلحه به دست بگیرد و حضرت آقا نیز چنین چیزی نمی‌خواهد؛ بلکه از بسیج حوزه و دانشگاه نظریه‌پردازی می‌خواهد. نظریه مدیریت جهادی جواب داد یا خیر؟ این را در کتب درسی بیاورید و نمونه‌های آن را ذکر کنید؛ نظریه فرهنگی هابرماس، گیدنز و... گفته می‌شود؛ اما نظریه فرهنگی حضرت آقا و امام گفته نمی‌شود.

ابتدا باید اساتید این مسئله را عالمانه در کتب درسی قرار دهند و کرسی‌های علمی برگزار کنند و بدانند، در این مسائل هم بحث‌هایی وجود دارد؛ انقلاب اسلاهی ایران و پیام امام در حرکت سریع پست‌مدرن تأثیر گذاشت؛ درحالی‌که امام پست‌مدرن نبود.

یعنی امام عملاً نشان داد که غرب چه پدیده فسادی را ایجاد کرده؛ هرچند که دستاوردهای مثبتی هم داشته که امام فرمود: ما با اینها مخالفتی نداریم و علم خوب و ارزشمند را استفاده می‌کنیم؛ لذا امام غرب‌گزین انتقادی بود و با استکبار غرب ستیزه می‌کرد؛ اما با علم نافع غرب ستیزه نمی‌کرد. در کتاب اربعین می‌فرماید: واجب است مسلمانان این علوم را باید فرا بگیرند و در توسعه علم نیز، باید نقش داشته باشند.



به نظر اگر امام زنده بودند، مهم‌ترین نکته‌ای که تأکید می‌کردند، عدالت بود؛ آن هم عدالت ساختاری؛ اگر می‌خواهیم

در مورد امام سخن بگوییم، باید مراقب باشیم و مکتب امام رحمه الله را به‌خوبی بشناسیم. نمی‌شود از امام دم زد؛ ولی استکبارستیز نبود؛

ولو یک نسبت سببی و نسبی با امام هم داشته باشیم؛

هرکسی که در مکتب امام تنفس می‌کند

و خود را در مکتب امام می‌داند، باید استکبارستیز باشد

و عقلانیت اسلامی را بپذیرد.

به نظر این مباحث باید در کتب درسی قرار بگیرد و مدون شود؛ خیلی از مدیریت‌های جهادی دوران دفاع مقدس گفته نشده و حضرت آقا در این زمینه تأکید کردند و تأکید نیز به سردار محسن رضائی در این زمینه داشتند؛ یعنی دستاوردهای‌های نظامی به دیسپلین و دانش نظامی تبدیل و تمامی اینها در ایران و در کتب درسی دنیا تدریس شود.

یکی از دانشجویمان دکترای تربیت مدرس، رساله خود را با موضوع «پرستاری حکیمانه» انتخاب کرده بود؛ هرچند که مسئولین دانشگاه موضع سلبی درباره این موضوع داشتند و بعد که دفاع کرد و با نمره عالی قبول شد و مقالات زیادی در isi منتشر کرد، راحت پذیرفتند و چاپ کردند و برخی از دیپارتمان‌های آمریکا هم او را دعوت کردند و سه ماه در آمریکا در دانشگاه‌های مختلف این بحث را ارائه کرد.

ما اگر بخواهیم مقاله در مورد کانت و دکارت بنویسیم، هیچ مجله‌ای چاپ نمی‌کند؛ به هرحال آنها بهتر از ما می‌دانند که اندیشمندان چه گفته‌اند؛ اما اگر ناظر به نیاز های امروز صحبت کنیم، پذیرا هستند.

بارها در گفت‌وگوهایی که با افراد از کشورهای مختلف داشته‌ام، مشاهده کرده‌ام که هرگاه در مورد موضوعات عدالت، عقلانیت و موضوعات این چنینی؛ مثلاً از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را توضیح دادیم، به وجد می‌آمدند. بارها و بارها در کشورهای مختلف مانند اتریش، فیلیپین، واتیکان و سوئیس نهج‌البلاغه را به زبان‌های انگلیسی و فرانسه همراه داشتم و فایل نهج‌البلاغه را در اختیار این دوستان قرار می‌دادم، با اشتیاق مطالعه می‌کردند؛ اما وقتی عدالت را از منظر کانت و دکارت صحبت می‌کردیم، خسته‌کننده و کسالت‌آور می‌شد؛ چراکه آنها دوست دارند بدانند، از منظر اسلاهی چه نظریاتی در این زمینه وجود دارد.

امام این نگاه جدید را به دنیا باز کرد و یک اسلام عقلانی انقلابی کارآمد را به دنیا نشان داد. اینکه می‌بینید، سیاه‌پوستان را کتک می‌زنند، وقتی راهپیمایی می‌کنند و عکس حاج قاسم سلیمانی به دست دارند، خیلی پیام بزرگی است. عقبه آن یک جریان و یک عقلانیت است.